ایران

• سه‌شنبه ۳ آذر ۱۴۰۵
• ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
• ۲۴ نوامبر ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۸۳
• (۴ صفحه مجازی) +۱۲ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۲۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

«ایران» چرایی تأکید رئیس جمهوری بر بیان شفاف ناترازی‌ها و کمبودها را بررسی می‌کند

بیان واقعیت‌ها؛ نشانه ضعف یا مسیر جلب همراهی مردم؟

طرح مسجد محوری و حکمرانی محلی با حضور رئیس جمهوری در یکی از مساجد تهران رونمایی شد

۲ ۳

از لحظه تصادف تا بازگشت به زندگی
مسیر پرهزینه یک حادثه
۶

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی در سومین دوره جام رسانه‌ها:
«ایران قوی» یک واقعیت تاریخی و تمدنی است
۳

غلامرضا نیکخواه، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون بر اثر سکته قلبی درگذشت
بدرود با مـــردی که بی‌ادعا می‌خنداند



۱۲

در صفحه جدید «فرهنگ و رسانه» اساتید دانشگاه و روزنامه‌نگاران پیشکسوت بررسی کردند
مناظره؛ گفت‌وگو برای آگاه‌تر شدن یا جدال برنده شدن
همراه با دیدگاه‌های آرش حیدری، مسعود کوثری، حمید ملک زاده ، ماشاءالله شمس الواعظین و محمد مهاجری
۸

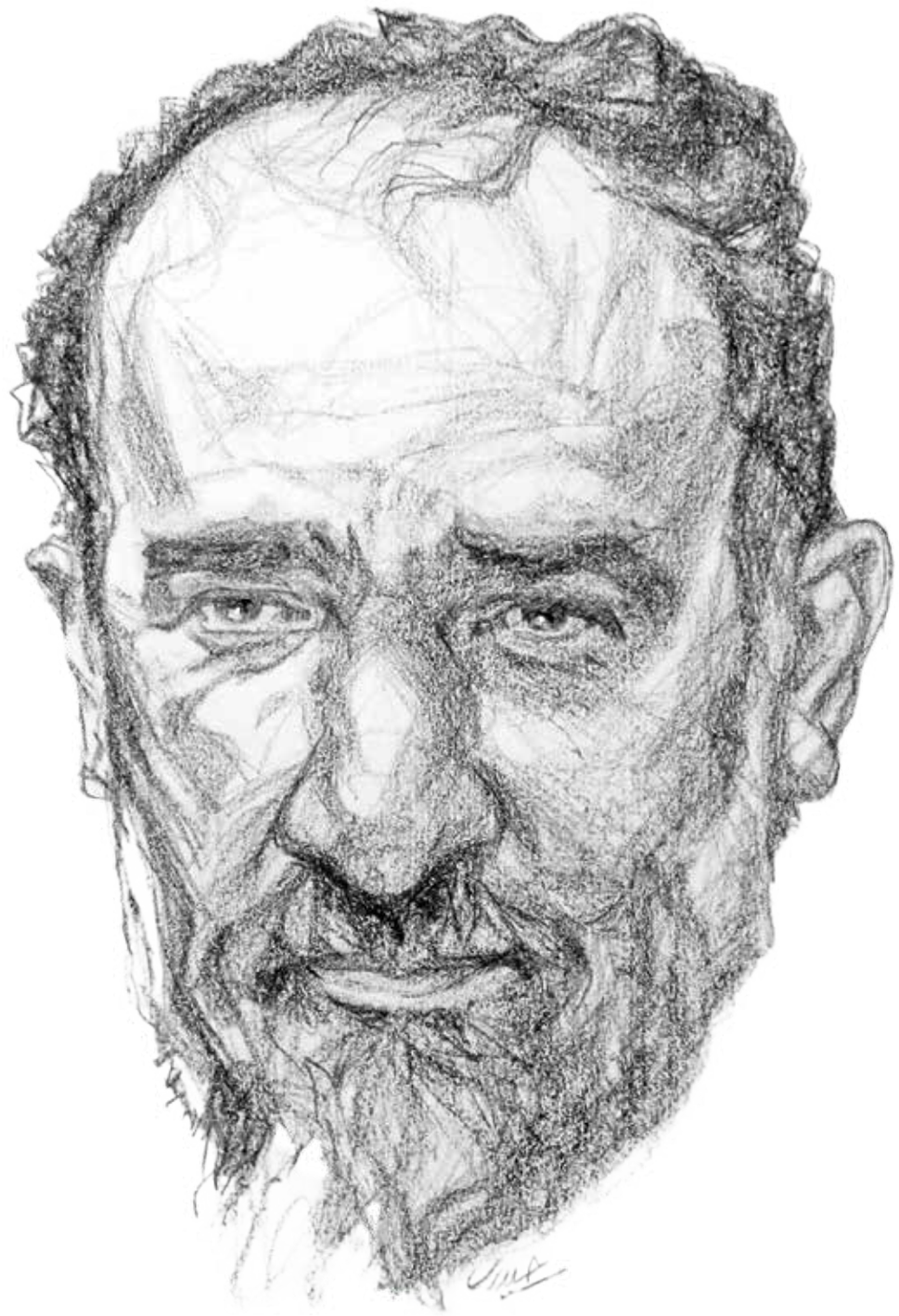
صفحات اینترنتی روزنامه ایران را بخوانید

یک پیامک راز سرقت‌ها را برملا کرد
سناریوی پسر فقیر برای سرقت طلاهای دختر پولدار
۱۳

رئیس انجمن صنعت تایر در گفت‌وگو با «ایران»:
آزادسازی قیمت بساط واسطه‌گری تایر را جمع می‌کند
۱۴

تورهای بی‌ضابطه، محیط‌زیست و حیات‌وحش را به خطر انداخته‌اند
میهمان ناخوانده در خانه طبیعت
۱۵

«ایران» ضرورت تداوم جوانگرایی و بازسازی کادر فنی تیم ملی فوتبال را بررسی می‌کند
آسیا با نسخه دیروز فتح نمی‌شود
۱۶



طرح: هادی حیدری / ایران

آخرین پرواز نویسنده

رضا امیرخانی یک سال پس از سقوط پاراگلایدرش در ۵۳ سالگی درگذشت
۱ ۱۰

من او

یادداشت



احمد مسجدجامعی
وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی

هر کس از خودش تصویری ماورایی دارد؛ تصویری که دوست دارد آن‌گونه زیست کند، آن‌گونه شناخته شود و دیگران با او به سخن بنشینند و خاطره‌گویی کنند. حتی با او گلاویز شوند و قهر کنند، یا او را بر فراز برند و در کنارش بنشینند و من را با آن بسنجند و ملامت یا ستایش کنند.

در واقع، هر «منی»، «اویی» دارد؛ اویی که فراتر از دنیای زمینی و ناظر بر آن است؛ اویی که دور از هیاهوی پیرامونی، «منِ بیرونی» را به خلوت خود فرامی‌خواند، از او می‌پرسد و پاسخ‌هایش را ارزیابی می‌کند. ممکن است در این آمدوشد میان ذهن و عین، من را به سخره بگیرد یا تحسین کند.

داستان «منِ او» فراتر از عشقی ناکام است؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر، روایتی از نسبت انسان با خودش به دست می‌دهد؛ نسبتی که ممکن است در کشاکش عشق، در قالب «او» نمود یابد.

برداشت من، نه‌تنها از رمان «منِ او»، بلکه از شخصیت واقعی امیرخانی نیز این است که او دوست داشت از زبان دیگران نکاتی بشنود؛ حتی اگر آن نکات در نقد او باشد یا زمینه‌ای برای فعالیت و نوشته‌ای تازه فراهم آورد. در همین گفت‌وگوها بود که فضای اجتماعی متفاوت را رصد می‌کرد و آثاری به دست می‌داد که گاه چنین به نظر می‌رسید با اندیشه‌های پیشین او در تقابل‌اند.

یکی از هنرمندانه‌ترین و ماندگارترین نقدهای او را می‌توان در رمان «رهش»، در نگاهی که به سیاست‌های شهری پایتخت در دوره‌های مختلف دارد، دید. تا آنجا که انگار با گلایدر به آسمان رفته و از آن بالا به تهران و باغ قلهک سفارت انگلیس می‌نگرد؛ باغی که با وجود مواضع روشن او درباره سیاست‌های استعماری، از منظری مثبت به آن اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که این از معدود فضاهای مشجر تهران است که می‌تواند از دست بساز‌وبفروش‌ها و مجوزهای شهرداری در امان بماند.

این هم یادگاری است از همان گفت‌وگوی میان من و او؛ زمانی که زمانی به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفت. زنده‌یاد امیرخانی آثار دیگری هم داشت که با توجه به سن‌وسال او، پرشمارند؛ اما در هیچ‌یک از آنها این‌گونه از پیوند درون و برون سخن نمی‌گفت. او نویسنده‌ای متفاوت بود؛ نویسنده‌ای که از ظاهر به باطن سفر می‌کرد و میان «من» و «او»، در عین بیگانگی، یگانگی برقرار می‌ساخت. عشق، خانه مشترک عاشق و معشوق است.

مرگ او نیز، همچون این اثر، شکلی متفاوت داشت. اگر از بالا «با گلایدر» به آن بنگریم، شاید بتوان آن را آغاز زندگی جدید ادبی او دانست. او در این ماه‌های پرتلاطم و فضای پرالتهاب، در آرامشی کامل زیست و واکنشی نشان نداد. اما شاید «من» و «او» در همین حال نیز گفت‌وگوهایی پیوسته با یکدیگر داشتند. اگر نگاهی به آثارش، سفرنامه‌ها، نامه‌ها، دلنوشته‌ها و اندیشه‌هایش داشته باشیم، به‌خوبی درمی‌یابیم که «من» و «او» آگاهانه در جدالی مداوم با یکدیگر بوده‌اند. اتفاقاً همین نکته است که او را از نگاه جزم‌اندیشان این‌سو و آن‌سو نگر متفاوت می‌کند.

شاید عمر نه‌چندان بلندش از آن رو بود که نمی‌توانست ناظر بی‌اعتنای این ناهماهنگی‌ها، بداخلاقی‌ها و نارضایتی‌های عمیق میان گفتار و کردار این و آن باشد. روانش به مینو همی شاد باد.

رؤسای قوای مجریه و مقننه درگذشت رضا امیرخانی را تسلیت گفتند

تمجید پزشکیان و قالیباف از آثار نویسنده متعهد

در پی درگذشت رضا امیرخانی، نویسنده متعهد کشورمان، رئیس جمهوری و دیگر مقامات و چهره‌های سیاسی و فرهنگی کشور، با صدور پیام‌هایی این ضایعه را تسلیت گفتند.

در همین راستا، مسعود پزشکیان در پیامی، فقدان امیرخانی را ضایعه‌ای برای جامعه فرهنگی و ادبی و دوستداران ادبیات داستانی کشور عنوان کرد و افزود: «ایشان از نویسندگانی بود که با نگاه ژرف به انسان و جامعه، زبانی خلاق و روایتی متفاوت، افق‌های تازه‌ای در داستان‌نویسی معاصر گشود.»

رئیس جمهوری تصریح کرد که بی‌تردید نام و آثار او در تاریخ ادبیات معاصر این مرز و بوم ماندگار خواهد بود و نسل‌های آینده نیز از اندیشه، خلاقیت و میراث فرهنگی او بهره خواهند برد.

در پیام پزشکیان آمده است: «ایشان از نویسندگانی بود که با نگاهی ژرف به انسان و جامعه، زبانی خلاق و روایتی متفاوت، افق‌های تازه‌ای در داستان‌نویسی معاصر گشود. آثار ماندگاری چون «داستان سیستان»، «ارمیا»، «منِ او»، «بیوتن» و «قیدار» تنها روایتگر رویدادها و شخصیت‌ها نبودند، بلکه بستری برای تأمل در مفاهیمی چون ایمان، عشق، هویت، جوانمردی، مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی فراهم آوردند. او با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبان فارسی و پیوند ادبیات با مسائل و دغدغه‌های جامعه، توانست با نسل‌های مختلف خوانندگان ارتباط برقرار کند و جایگاهی متمایز در حافظه ادبی این سرزمین به دست آورد.»

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در پیامی، با ابراز تسلیت برای فوت امیرخانی، تصریح کرد: «امیرخانی از نویسندگانی بود که بخش مهمی از توان و خلاقیت ادبی خود را در مسیر پرداختن به هویت ایرانی، ارزش‌های ملی و دینی و مسائل جامعه به کار گرفت.»

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور نیز در پیامی با تسلیت درگذشت رضا امیرخانی، آثار و میراث ادبی او را ماندگار در حافظه فرهنگی کشور دانست. در پیام معاون اول رئیس جمهور آمده است: «آن نویسنده خلاق و اندیشمند، از چهره‌های شاخص ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود که با قلمی تأثیرگذار، نگاهی نقادانه و دغدغه‌ای عمیق نسبت به ارزش‌های دینی، هویت ایرانی و مسائل اجتماعی، آثاری ماندگار در ادبیات داستانی کشور خلق کرد.»

عارف تصریح کرد: «آثاری همچون «ارمیا»، «منِ او»، «بیوتن» و «قیدار» و نیز نگارش اثر ارزشمند «داستان سیستان» در روایت سفر رهبر شهید انقلاب اسلامی، گواهی بر اهتمام آن مرحوم به بازتاب آرمان‌های انقلاب، فرهنگ ایثار و مقاومت و دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران است. بی‌تردید میراث ادبی و فرهنگی آن نویسنده فقید در حافظه فرهنگی کشور ماندگار خواهد ماند.»

پیام تسلیت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت درگذشت رضا امیرخانی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پی درگذشت رضا امیرخانی، نویسنده و داستان‌نویس برجسته کشور، پیام تسلیتی صادر کرد. در متن این پیام آمده است: اناالله و انا الیه راجعون

آنچه ماه‌ها از اندیشیدن به آن گریزان بودیم، سوگمندانه به تلخیِ واقعیت پیوست و رضا امیرخانی از میان ما رفت. دریغا که چشم انتظاری بسیاری از دوستداران فرهنگ برای انتظار بهبودی او، به وصال نینجامید و سرنوشت محتوم، مجال بازگشت نویسنده‌ای را گرفت که قلم خلاق و کلام نافذ او، تحسین‌برانگیز بود. رضا امیرخانی در شمار نویسندگانی بود که در جست‌وجوی افق‌های تازه، زبان و جهان روایی ویژه خویش را آفرید. نثر پرتحرک، تخیل بارور و جسارت او در آزمودن ظرفیت‌های زبان فارسی، با دلبستگی عمیقش به فرهنگ، ایمان و هویت ایرانی و اسلامی درآمیخته بود. او از «ارمیا» و «منِ او» تا «بیوتن» و «قیدار»، قصه‌هایی ماندگار روایت کرد که نسل‌هایی از خوانندگان را با خویش همراه ساخت. این فقدان اندوه‌بار را به خانواده ارجمند امیرخانی، جامعه ادبی ایران و دوستداران آثارش تسلیت می‌گوییم و امید داریم که خداوند متعال او را در کنار محبوب حقیقی‌اش، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) آرامش دهد.

حسب حال

جنگ طلبی یا استقامت و دفاع؟



سید عطاءالله مهاجرانی

گاه در اظهارنظرها، مطالبی دیده می‌شود که نشانه کژتابی واژگان یا سوءفهم مفاهیم است. انگار ایران دنبال جنگ است، یا بخشی از جریان‌های سیاسی و نهادها دنبال جنگند و نمی‌گذارند کشور و ملت روی صلح و آسایش و خیر و خوشی را ببینند! برخی دانشگاهیان و دیگرانی که مصلحت ایران و ملت ایران را در عدم جنگ افروزی می‌دانند، همین مضمون را تازگی تکرار کرده‌اند. به نظرم نباید به افراد یا جریان‌های سیاسی پرداخت، بلکه خود موضوع را باید نقد و بررسی کرد. همان حکمتی که کلیشه شده است!

مشهور است که خانم «النور روزولت» گفته است، «درباره ایده‌ها بحث کنید، نه اشخاص و جریان‌ها و رویدادها.» خانم روزولت ظاهراً این سخن را شنیده و در جایی گفته است. مطلب به سال ۱۹۰۱ باز می‌گردد. «هنری توماس باکل» تاریخدان انگلیسی این سخن را روایت کرده است. برخی، تاریخ سخن را تا سقراط به ژرفای تاریخ پیش از میلاد مسیح برده‌اند. گفته اند: «ذهن‌های بدوی و ساده و سطحی درباره اشخاص صحبت می‌کنند، ذهن‌های عادی و متوسط درباره رخدادها و ذهن‌های عالی درباره ایده‌ها و موضوعات!»؛ سخن خردمندانه‌ای است. اینکه ما گاه شاهد غوغاسالاری و هرج و مرج فکری در جامعه یا فضای مجازی پیچازی می‌شویم، برای همین است که ذهنی بدوی و منحط، به متفکری یا سیاستمداری یا هنرمند و نویسنده با نام و نشان و حسن شهرت ملی و تاریخی، ناسزا می‌گوید و جنجال! منظورم این است که درباره مقوله جنگ طلبی و دفاع، به نقد و بررسی ایده بپردازیم. اگر جهت سخن، به سوی اشخاص و جریان‌های سیاسی رفت؛ دروازه انگیزه‌شناسی و انگیخته‌یابی ظهور می‌کند و به بیراهه و سخنان بیهوده کشانده می‌شویم. ایده‌ای که مطرح شده است، این است: «جنگ بد و شرّو ویرانگر است. صلح خوب و عاقلانه است؛ الصلح خیر! پس جنگ طلب نباشیم و با آمریکا بسازیم و بهانه دست ندهیم.» این ایده با بیان‌های مختلف و در سطوح متفاوت مطرح شده و می‌شود. حال، هرکسی در جهت چنان موضعی، یعنی جنگ افروزی قرار گیرد، بسم‌الله، برایش از مصلحت و عقلانیت و با دوستان مروت با دشمنان مدارا بسرایید.

مصلحت گرایان و عقلانیت پنداران که مدام از آسیب‌های جنگ و مشکلات کشور و ملت سخن می‌گویند، تأکید می‌کنند که:

یکم: قویاً مخالف تداوم جنگند و معتقدند که «امروز جنگ را تمام کنیم بهتر از فرداست.»

دوم: ایران در این درگیری‌ها به دستاوردهای استراتژیکی مانند ایجاد بازدارندگی در تنگه هرمز، نشان دادن اراده پاسخگویی، انسجام ملی و به چالش کشیدن ابهت نظامی آمریکا دست یافته است. با پایان دادن به جنگ در شرایط فعلی این دستاوردها را تثبیت می‌کنیم و مانع از تخریب زیرساخت‌ها و تحمیل خسارت‌های بیشتر به کشور می‌شویم.

سوم: ادامه محاصره و فشارهای اقتصادی برای ایران قابل تحمل نیست، منافع اسرائیل تماماً در تداوم درگیری و جنگ تعریف می‌شود.

چهارم: محاسبات استراتژیک طرف مقابل برای جلوگیری از شروع جنگ علیه ایران، جایگاه تنگه هرمز و پیوند با اقتصاد بین‌الملل، نقش بسیار مهم‌تری نسبت به سلاح هسته‌ای یا ذخایر اورانیوم دارد. اصرار بر «مدیریت انحصاری تنگه هرمز» می‌تواند کشور را در وضعیت «جنگ دائمی» قرار دهد و بهتر است با انعطاف و دادن امتیازهای حساب‌شده، توافقی پایدار شکل بگیرد.

پنجم: بهتر است برای تداوم جنگ به افکار عمومی و همه پرسی مراجعه شود.

این پنج نکته یا مطلبی که فهرست کردم، در سخنان افراد مختلف؛ از اساتید دانشگاه تا برخی روزنامه نگاران مصلحت اندیش با مقامات سابق اجرایی و سیاسی یا سخنگویان برخی جریان‌های سیاسی دیده می‌شود. تمرکز را برابده بگذاریم و نه گویندگان و نویسندگان. اما همه گویندگان و مفسرانی که از آسیب‌های جنگ و خسارت‌های ویرانی سخن می‌گویند، به دو نکته راهبردی توجه نداشته‌اند یا تأمل نکرده‌اند.

می خواهم در این حسب حال همان دو نکته را تبیین کنم:

یکم: ایران در موقعیت دفاع است و نه در موقعیت جنگ. کسی که در موقعیت جنگ است، برای جنگی که می‌افروزد، اهداف و مصالح و منافعی را تعریف می‌کند. چنان که آمریکا و اسرائیل برای آغاز جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه و در این ایام در جنگ تنگه هرمز، برای خود اهدافی را تعریف کرده بودند. این اهداف برخی آشکار است و برخی را در لایه‌های پنهانی می‌توان شناسایی کرد:

الف: سقوط جمهوری اسلامی ایران
ب: تجزیه ایران
ج: جنگ داخلی و آشوب در ایران
د: تسلط بر منافع و منابع نفت ایران
هـ: انهدام توان موشکی بالستیک ایران
و: انهدام توانایی هسته‌ای ایران
ز: تشکیل دولت پوشالی در بخش‌هایی از قلمرو ایران، مانند مدل یوگسلاوی سابق.

کشوری که در موقعیت دفاع است، از استقلال و سرزمین و وحدت ملی و دستاوردهای علمی و فنی و صنعتی خود حمایت می‌کند. نمی‌توان گفت جنگ طلب است و شایسته است مصلحت‌اندیش باشد! مصلحت در مقاومت در برابر دشمنی است که می‌خواهد اراده خود را تحمیل کند. عدم تمییز یا تعریف «جنگ طلبی» و «دفاع» می‌تواند سوءتفاهم‌های بسیار بیافریند و فضای اندیشه و سخن را آشوب کند و البته موجب سردرگمی در جامعه شود.

آمریکا و اسرائیل در موضع جنگ طلبی هستند و ایران در موضع دفاع. بدیهی است که در جهان امروز کشتار کودکان غزه با عنوان دفاع از خود توجیه می‌شود و شهادت دانش‌آموزان میناب به عنوان مبارزه با تروریسم تفسیر می‌شود. جنگ طلبان به ندرت از اهداف خود به صراحت سخن می‌گویند. گرچه نتانیاهو گفت که چهل سال بود که دنبال طراحی جنگ علیه ایران بود. می‌دانست که در چنین جنگی بدون دخالت و حمله آمریکا اسرائیل نمی‌تواند به تنهایی اقدام کند.

در برابر چنین شخصی که ایده جنگ طلبی و تجاوز را دارد، اگر کشور و ملتی برای بقای خود و وحدت سرزمینی و ملی خویش ایستادگی و مقاومت کرد، جنگ طلب است؟ جنگ طلب کسی است که به تعبیر استراتژیست جنگ، کارل فون کلاوزویتس، می‌خواهد اراده خود را بر طرف دیگر که دشمن است تحمیل کند. همان کاری که آمریکا کوشید با جنگ علیه ایران بدان برسد که شکست خورد و نتوانست هیچ یک از اهدافش را به انجام برساند. ترامپ در دنیای الفاظ و خودشیفتگی و دلقک بازی خودش را غرق کرده است.

دوم: چگونه می‌توان به آمریکا اعتماد کرد؟ یعنی امتیاز داد؟ ایده‌ای که می‌گوید از برنامه هسته‌ای صرف نظر کنیم، دو نکته را نادیده می‌گیرد. هیچ اعتماد و منطقی وجود ندارد که اگر ایران اورانیوم غنی‌سازی شده خود را تحویل داد، با حملات بیشتری مواجه نشود. چنانکه نمونه لیبی پیش روی ماست. کشور لیبی را ویران کردند و به دست باندهای ماجراجو و غارتگر و آدمکش سپردند. مگر جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه در میانه مذاکرات اتفاق نیفتاد؟ مگر پس از امضای توافقنامه اسلام‌آباد از سوی رؤسای جمهوری آمریکا و ایران، محاصره دریایی و طرح قفس آهنین و محاصره زمینی ایران مطرح نشد؟ تا جایی که وزیر خارجه ایران، دکتر عراقچی تازگی گفته است: «تفاهمنامه اسلام‌آباد از دستور خارج شده است.»

تمام سخن بر سر اعمال اراده آمریکا و اسرائیل در غرب آسیاست و نه مذاکره اخلاقی و منصفانه. کسانی که ایران را جنگ طلب می‌دانند و تفسیر می‌کنند، در لایه پنهان سخن‌شان تسلیم طلبی مشهود است. گویی موقعیت ایران و ملت ایران و آمریکا و اسرائیل را به درستی شناسایی نکرده‌اند.

قائم‌پناه: جنگ، قدرت تمدنی ما را برجسته‌تر کرد

معاون اجرایی رئیس جمهوری، روزگذشته در نشست گفت‌وگوی مسأله محور با تشکل‌ها و سازمان‌های مردم نهاد، گفت: «مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری می‌تواند به جای اینکه با فرد فرد مردم که درخواست‌هایشان ممکن است شخصی باشد و احیاناً اجابت آنها تبعیض‌آمیز باشد، روبه‌رو شود، بهترین کار را انجام دهد و پل واسط نهادهای مدنی و نهادهای مردم‌نهاد یعنی رابط بین مردم و دولت باشد.» محمد جعفر قائم‌پناه با اشاره به اینکه ما در ایران به این گفت‌وگوها نیازمند هستیم، تصریح کرد: «باید حرف‌های یکدیگر را بشنویم و بپذیریم. این جمع ویژگی خاص دیگری نیز دارد؛ این جمع، جمع فرهنگ و هنر است. من معتقدم یکی از اصلی‌ترین پایه‌های هر تمدنی، فرهنگ و هنر است. برخی دوستان معتقدند اصل تمدن همان فرهنگ و هنر است. با این حال، ما نباید دچار مناقشه شویم. من به تمدن ایرانی خود می‌نازم، ما به نوشته‌های کوروش افتخار می‌کنیم.» او با اشاره به اینکه هنوز در دنیا، قدرت نظامی ایران به دلیل تبلیغات جهانی، به خوبی بیان و آشکار نشده است، تأکید کرد: «اکنون دیگر نامی از ناوها در خلیج فارس یا حضور در دریای عمان نیست. دلیل این حضور نبودن این است که آنها نابود خواهند شد. این یک قدرت نظامی است و همچنین قدرت مردمی است که از ریشه‌های هزارساله تمدنی ما نشأت می‌گیرد.» وی خاطرنشان کرد: «در عین حال، مسئولان ما باید پاسخگو باشند، آنها باید پاسخگوی آن چیزی باشند که حق است و آن چیزی که وظیفه قانونی آنها است. اگر کاری را نمی‌توانند انجام دهند، باید دلیل نتوانستن خود را به‌طور شفاف به شما توضیح دهند و امکانات خود را نیز مشخص کنند.» قائم‌پناه گفت: «تلاش ما این است که فرهنگ گفت‌وگو را در جامعه رواج دهیم. ما به جای فرهنگ پرخاشگری، فرهنگ گفت‌وگو را جایگزین می‌کنیم. ما به جای فرهنگ سکوت، می‌خواهیم فرهنگ گفت‌وگوی دوسویه را شکل دهیم. در همین راستا، برنامه‌ای را برای سفرهای رئیس جمهوری طراحی کرده‌ایم. البته این برنامه به دلیل جنگ، مقداری تأخیر یافته است.»